

گروه طالبان تهدید وجودی برای حکومت و گروه های اقلیت

سرمقاله

فساد و راههای کاهش آن

حفیظ الله ذکی

گزارش های نهادهای داخلی و سازمان های بین المللی در باره کمک های جامعه جهانی و بخصوص ایالات متحده آمریکا و نحوه مصرف آنها در افغانستان، بخشی از واقعیت های تلخی را برملا می سازد که در پانزده سال گذشته در این کشور رخ داده است. واقعیت هایی که سبب گردید تا زیر بنای یک فرهنگ ناسالم سیاسی و اداری در افغانستان گذاشته شود. فرهنگی که قانون گریزی را ترویج می کند و فعالیت های منفعت جوینانه مادی را در اولویت قرار می دهد. در اثر غلبه این فرهنگ تعهد افراد نسبت به جامعه و کشور از بین رفته و روحیه وطن دوستی و پایبندی به منافع عالی ملی تا حدی زیادی تضعیف شد. تکرار این عمل سودجویانه و فساد پرور، ریشه های فساد را در تمامی ادارات گسترش داد و آن را به یک هنجار اجتماعی تبدیل کرد.

دلایل و ریشه های فساد در افغانستان به عوامل متعدد از تباطؤ می گیرد؛ اما با آن هم چند عامل در ایجاد و گسترش فساد در افغانستان نقش محوری داشته است. فقدان اهداف مشخص سیاسی، اداری، فرهنگی و امنیتی و نبود یک سیاست منسجم و هماهنگ در مورد مصرف کمک ها از سوی جامعه جهانی، پایین بودن ظرفیت و توانایی ادارات دولتی، عدم تشخیص منابع و ابزارهای لازم در جهت پیشبرد سیاست ها و برنامه ها و نبود یک نهاد نظارت کننده در بخش مصرف کمک ها را می توان از عوامل عمده گسترش فساد در افغانستان یاد کرد.

در پانزده سال گذشته نه دولت افغانستان و نه جامعه جهانی اهداف معین و مشخصی را برای خودکفایی و توسعه اقتصادی در افغانستان تعریف نکرده اند. هدف های بازسازی و نوسازی در کشور به صورت پراکنده، ناهماهنگ از سوی کشورها انتخاب می شدند. این هدف ها به صورت موردی تعیین می شد و دستاوردهای کوتاه مدت و محدود مد نظر قرار می گرفت. از آنجایی که هیچگونه انسجام و هماهنگی میان اهداف و سیاست های بازسازی وجود نداشت، نتوانست افغانستان را به سوی توسعه، پیشرفت و یا رسیدن به خود کفایی اقتصادی و امنیتی سوق دهد.

از این که در نه سال نخست حضور جامعه بین المللی در افغانستان، حداکثر سیاستگذاری ها از سوی جامعه جهانی صورت می گرفت و اکثر پروژه ها به طور مستقیم از سوی کشورهای کمک کننده روی دست گرفته می شد، لازم بود تا سیاست های جامع، همه جانبه و مشخصی از سوی کشورهای کمک کننده برای رفع نیازهای ضروری و نیز رسیدن به مرحله خود اتکالی کشور تدوین و به مرحله اجرا گذاشته می شد، اما متأسفانه در پانزده سال گذشته ما شاهد تدوین یک استراتژی ملی که سیاست ها و فعالیت های اداری، امنیتی و اقتصادی را به سمت پیشرفت، توسعه و خود کفایی سوق داده باشد، نبودیم.

مشکل دیگر در این زمینه ساختار اداری است. سازمان ها و نهادهای اداری در افغانستان بر مبنای نیاز و ضرورت واقعی شکل نگرفته است. این مسأله امروز به یک واقعیت تلخ و غیر قابل انکار تبدیل شده است که در کشور ما افراد در اداره استخدام نمی شوند؛ بلکه اداره برای افراد ایجاد می شود. وقتی چنین باشد، دیگر نباید از چنین اداراتی انتظار قانونمندی و کارکرد سالم را داشت. این امر خود سبب تراکم اداری و ایجاد کمیسیون های موازی در کشور و تداخل و تعارض کاری در بسیاری ادارات گردیده است.

اکنون یکی از انتظارات جدی که از حکومت وحدت ملی می رود این است که با مطالعه دقیق از کارکردهای ادارات و نیز تشخیص دقیق نیازمندی های اداری کشور باید به این مشکل سروسامان داده و میکانیسم مؤثرتر و کارآمدتری را برای پیشبرد کارهای اداری مد نظر بگیرد.

ادغام ریاست مبارزه با مواد مخدر وزارت داخله با وزارت مبارزه با مواد مخدر از نمونه هایی است که می تواند از یک طرف هزینه های گزاف و اضافی را کاهش دهد و از سویی دیگر روند مبارزه با فساد اداری را تسریع و تسهیل نموده و در کاهش تداخل کاری میان ادارات مختلف مؤثر واقع شود.

جنرال جان کمبیل، فرمانده نیروهای بین المللی در افغانستان گفته است: «چازه نمی دهیم تا گروه طالبان بار دیگر به قدرت برسند.» این سخن از زبان کسی شنیده می شود که برای سال های متناهی فرماندهای نیروهای بین المللی در افغانستان بوده است. نیروهای که در مدت کمتر از یک ماه توانست امارت اسلامی طالبان را سقوط دهد. سقوطی که موجب شکل گیری روزنه های امید برای شهروندان افغانستان شد. پیروزی زود هنگام نیروهای بین المللی در افغانستان موجب شد که آن ها جنگ افغانستان را پایان یافته تصور نمایند. مردم افغانستان عمر گروه طالبان و امارت اسلامی را پایان یافته می نداشتند. این پنداشت تا سال ۲۰۰۵ ادامه داشت. از سال ۲۰۰۵، گروه طالبان دوباره از لانه های خود بیرون شدند و حملات خود را علیه نیروهای امنیتی افغانستان و نیروهای بین المللی آغاز نمودند. در سال ۲۰۰۷، حملات آن ها تشدید شد.

بسیار روزی کار آمدن باراک اوباما، مبارزه با گروه طالبان تشدید شد. نیروی بیشتری از سوی اداره باراک اوباما به افغانستان فرستاده شد. افزایش نیرو و اما، منجر به کاهش خشونت ها و ضعیف شدن گروه طالبان نشد. آن ها همچنان حملات خود را تشدید بخشیدند. سال ۲۰۱۴، نیروهای بین المللی مسئولیت تأمین امنیت را به نیروهای امنیتی افغانستان واگذار نمودند. با واگذاری مسئولیت های امنیتی، بخش زیادی از نیروهای بین المللی افغانستان را ترک کردند. جنگ با گروه طالبان و دیگر گروه های دهشت افکن به نیروهای امنیتی افغانستان واگذار شد. با خروج نیروهای بین المللی سطح خشونت ها نیز افزایش چشمگیری یافت. آمار کشته ها و زخمیان نیروهای نظامی و غیر نظامی بالا گرفت. به همین خاطر، سال ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵

را سال خونین برای نیروهای امنیتی و مردم افغانستان خوانده است. اکنون مسئله این است اگر گفتگوی صلح در چند ماه دیگر نتیجه ندهد، سال ۲۰۱۶ همانند دو سال قبل را به میز مذاکره بکشاند و آن ها را سهیم

رحیم حمیدی



شدند. گروه های اقلیت کوچک تر نیز از گزند گروه طالبان در امان نبودند. بنابراین، بازگشت دوباره گروه طالبان و حاکمیت امارت اسلامی تهدیدی تمام عیار برای گروه های مختلف اجتماعی در افغانستان است.

بنابراین برخورد تساهل آمیز با گروه طالبان موجب شده است که این گروه تبدیل به یک تهدید جدی برای وجود حکومت شود. اکنون زمان آن رسیده است که نوع نگاه خود را به این گروه تغییر دهیم. با توجه به اینکه این گروه در صدد ایجاد حکومت موازی در افغانستان بودند، باید تلاش شود که با این گروه به صورت جدی برخورد شود. این سخن بدین معنی نیست که حکومت دست از گفتگوی صلح بکشد، بلکه در کنار پیشبرد سیاست صلح جوینانه باید برخورد نظامی شدید با این گروه صورت گیرد. این گروه کنترل ولایت کندز را به دست گرفت اما، حکومت با تأخیر زیاد بر این گروه حمله نمود. ولسوالی سنگین ولایت هلمند را مورد تهدید جدی قرار داد. دندغوری را از کنترل نیروهای حکومتی خارج نمود و اکنون بعد از تأخیر چندین ماهه حکومت از صدد تصاحب آن است. این در حالی است که گروه طالبان دیگر تهدیدی برای بقای حکومت به شمار نمی آید. به همین خاطر، حکومت بعد از دو هفته جنگ قادر به بیرون راندن گروه طالبان از دندغوری نشده است. آن ها پایه های برق را تخریب نموده است و برای بازسازی آن شرط تعیین نموده است. همه این ها به خاطر سیاست حکومت در قبال این گروه است. این مسائل هم مشروعیت حکومت را کاهش می دهد و هم موجب قدرتمند شدن گروه طالبان می شود. در نهایت، این مسائل ممکن است منجر به سقوط حکومت وحدت ملی گردد. بازگشت گروه طالبان، بازگشت جنگ و راه جلوگیری از تاریکی در کشور است.

در قدرت نماید. اما تلاش ها پایان خوشی نداشتند. گروه طالبان دست از خشونت و جنگ نکشید. اکنون گفتگو ها شکل دیگر به خود گرفته است. چهار کشور افغانستان، پاکستان، آمریکا و چین به دنبال آن است که تا نقشه راهی را ترسیم نماید که بر اساس آن گروه طالبان را به میز مذاکره بکشاند. تا هنوز سه دور از نشست های چهار جانبه برگزار شده است اما تا هنوز نقشه راه گفتگوی صلح ترسیم نشده است. در آینده نزدیک بناسه که دور چهارم نشست ها در کابل برگزار شود. نشست ها در حالی برگزار می شود که گروه طالبان به عنوان یک تهدید وجودی برای حکومت افغانستان مطرح شده است. در گزارش جدید سیکر اداره افزایش چشمگیری یافت. آمار کشته ها و زخمیان نیروهای نظامی و غیر نظامی بالا گرفت. به همین خاطر، سال ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ را سال خونین برای نیروهای امنیتی و مردم افغانستان خوانده است. اکنون مسئله این است اگر گفتگوی صلح در چند ماه دیگر نتیجه ندهد، سال ۲۰۱۶ همانند دو سال قبل را به میز مذاکره بکشاند و آن ها را سهیم

در اولین های سال های حضور نیروهای بین المللی گروه طالبان یک گروه تروریست به حساب می آمد. در سال ۲۰۱۰، این گروه دیگر تروریست یاد نمی شد. حکومت افغانستان با نام های مختلف آن ها را مخاطب قرار می داد. برادر ناراضی، گروه مخالف مسلح دولت و در آخری مورد، مخالفان سیاسی حکومت. در همین سال، اولین جرقه های مصالحه با این گروه نیز به میان آمد. شورای عالی صلح تشکیل شد. از مجراهای مختلف تلاش شد که این گروه داخلی و بیرونی دارد.

انسان ها را بکشید، ولی میراث آن ها را نابود نکنید

رکسانا عظیمی / ترجمه: معصومه خطیبی بایگی / قسمت اول

اموال خودمان است، دشوار به نظر می رسد. نکته جالب توجه این است که این فیلم با دادن نقشی افراطی به کنسول نوردینگ در تجات پاریس و بناهای تاریخی آن به نقش حیاتی که او در بعد انسانی ایفا کرده و باعث آزادی بیش از سه هزار نفر از زندانیان سیاسی شده، اشاره ای نکرده است.

به دلیل وجود تنش همیشگی بین ارزش زندگی انسان ها و ارزش حیات بناهای تاریخی، متخصصان میراث های جهانی در بیسان توصیه های خود برای محافظت از آثار هنری چندان راحت نیستند. ژان لوک مارتینز (Jean-Luc Martinez)، رئیس موزه لوور پاریس، در مقدمه گزارشی تحت عنوان «پنجاه پیشنهاد برای محافظت از میراث بشری» که در نوامبر ۲۰۱۵ رئیس جمهوری فرانسه ارائه داد، با احتیاط سخن می گوید. وی در این گزارش برای پرهیز از هرگونه «سوء تعبیر» توصیه می کند که برای اشاره به تعرض آثار تاریخی از عناوینی مثل «جنایت ضد بشری» یا «نسل کشی فرهنگی» استفاده نکنیم، بلکه در عوض عبارت «جنایت جنگی» را به کار ببریم.



وی به این ترتیب تأکید کرد که هرگونه اقدامی در جهت حفظ و نگه داری بناهای تاریخی، باید مرتبط باشد با برنامه اقدامی به احتمال زیاد به این دلیل که یک اثر تاریخی در نوع خود بی نظیر است، در حالی که انسان ها به عنوان یک توده انزاعی در نظر گرفته می شوند. به عقیده لورانس برتراند دورلنساک (Bertrand-Dorléac)، تاریخ شناس هنر، یک بنا بیان گر تاریخ جمعی است و نه فردی. این امر تفاهمی سریع ایجاد می کند. این بناهای تاریخی که ما شناخت کمی از آن ها داریم، خیلی زود تبدیل به مکان های نمادینی می شوند که تخریب آن ها توجه مردم را در سطح جهانی جلب می کند، به طوری که همه آن ها را مثل آثار تاریخی خود می دانند.

این استدلال در فیلم دیپلماسی (Diplomacy) (۲۰۱۴) به کارگردانی وولکر شلوندورف (Volke Schlöndorff) در گفتگوی بین رانول نوردینگ (Raoul Nordling)، کنسول سوئدی و دبیرش فون شولتیتس (Dietrich von Choltitz)، فرمانده ارشد نظامی ارتش آلمان نازی در جنگ جهانی دوم هم مطرح می شود: کنسول سوئدی تلاش می کند به مقام بلند پایه نازی بفهماند که او با تخریب پاریس یک میراث مشترک بشری را نابود خواهد کرد. هر قدر غارت اندوه بارش به خاطر شکنجه هایی که به مخالفان خاندان اسد تحمیل می شود، بسیار معروف است.

چرا تخریب و چپاول بعضی از بناها که جزئی از میراث جهانی هستند تا این حد احساسات مردم را برمی انگیزاند؟ به احتمال زیاد به این دلیل که یک اثر تاریخی در نوع خود بی نظیر است، در حالی که انسان ها به عنوان یک توده انزاعی در نظر گرفته می شوند. به عقیده لورانس برتراند دورلنساک (Bertrand-Dorléac)، تاریخ شناس هنر، یک بنا بیان گر تاریخ جمعی است و نه فردی. این امر تفاهمی سریع ایجاد می کند. این بناهای تاریخی که ما شناخت کمی از آن ها داریم، خیلی زود تبدیل به مکان های نمادینی می شوند که تخریب آن ها توجه مردم را در سطح جهانی جلب می کند، به طوری که همه آن ها را مثل آثار تاریخی خود می دانند.

این استدلال در فیلم دیپلماسی (Diplomacy) (۲۰۱۴) به کارگردانی وولکر شلوندورف (Volke Schlöndorff) در گفتگوی بین رانول نوردینگ (Raoul Nordling)، کنسول سوئدی و دبیرش فون شولتیتس (Dietrich von Choltitz)، فرمانده ارشد نظامی ارتش آلمان نازی در جنگ جهانی دوم هم مطرح می شود: کنسول سوئدی تلاش می کند به مقام بلند پایه نازی بفهماند که او با تخریب پاریس یک میراث مشترک بشری را نابود خواهد کرد. هر قدر غارت اندوه بارش به خاطر شکنجه هایی که به مخالفان خاندان اسد تحمیل می شود، بسیار معروف است.

راکت تهدید می شوند، مورد توجه قرار بگیرد؟ پاسخ کاملاً واضح به نظر می رسد، اما تفاوت ظریفی در آن نهفته است. ورونیک گران پییر (Véronique Grandpierre) متخصص تاریخ بین الملل می گوید: «باید انسان ها را نجات داد؛ زیرا آن ها توانایی بازسازی دارند. این انسان ها هستند که آثار تاریخی را به وجود می آورند و می توانند در آن ها تأمل کنند؛ اما از طرفی دیگر، این آثار و بناهای تاریخی هستند که انسان ها را می سازند. بشر با تکامل یافتن بین بناهاست که هویت جمعی خود را می سازد. یک اثر یا بنای تاریخی برای هیچ و پوچ از بین نمی رود. خاطره اش می تواند نقطه آغاز و تولد بنایی دیگر باشد. منظور از برتری بنا به انسان این است.»

این مسئله در سوریه اهمیت خاصی به خود می گیرد، سوریه ای که در آن از ابتدای درگیری ها در سال ۲۰۱۱، تخریب جزئی بناها یا تاراج شکست منطقه بزرگ میراث جهانی خشم مردم را در سطح بین المللی ارتش سوریه و آشوبگران موجب نابودی موزاییک ها و معرق کاری ها مسجد اموی دمشق شد. در مدت محاصره حمص، در ژوئیه ۲۰۱۴، دژ تاریخی کردان (le krak des Chevaliers) به طور جدی در معرض شلیک های ارتش سوریه قرار گرفت. در سال ۲۰۱۴، گنبد مسجد جامع اموی شهر حلب (la mosquée de Alep) توسط ارتش بشار اسد تخریب شد. سسال بعد، سازمان دولت اسلامی

«انسان ها را بکشید، ولی آثار آن ها را نابود نکنید.» این آثار میراث بشری هستند. ما در سال ۱۹۰۴ قرار داریم و رولان روماند (Romain Rolland)، نویسنده معروف قرن بیستم، این جمله را خطاب به گرهارت هویتمن (Gerhart Hauptmann) نمایش نامه نویسی می گوید، در حالی که آلمان به تازگی بلیزک را بمباران و شهر لوون (Louvain) را به آتش کشیده است. شنیدن این جمله از دهان یک انسان گرا سرشناس و صلح طلب پرشور بعید است؛ یعنی ارزش آثار رومنس در شهر شلان (Rubens de Malines) و گنجینه ها لوون که نماد ذوق و فریحه یک ملت هستند، از ارزش انسان ها بیشتر است؟ در زمان خودمان، گنجینه های شهر باستانی پالمیرا (Palmyre) در استانبول حمص سوریه باید بیشتر از جان مردم آن مناطق که با شلیک



بدون شرح

- صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
- مدیر مسوول: محمد رضا هویدا
- سردبیر: حفیظ الله زکی
- کاریکاتورست: خالق علی زاده

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

□ دبیران: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
□ مسوول وب سایت: غلام عباس اسلان

□ آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷-۷

روزنامه
افغانستان
The Daily Afghanistan

Outlook
AFGHANISTAN
The Leading Independent Magazine